

بررسی و نقد کتاب

جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان

سیدابوالفضل رضوی*

چکیده

نوشتار حاضر کتاب جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان را از دو منظر ایجابی و سلبی نقد می‌کند. تکوین نسبی ساختار اقتصادی-اجتماعی شهرها در عهد سلجوقی و کارکردهای به‌سامان‌تری که در این عهد پیدا کردند از وجوه ممتاز تاریخ ایران این عهد است که کتاب مذکور را از اهمیت و قابلیت نقد برخوردار می‌سازد. در عهد سلجوقیان زمینه‌های تثبیت و نهادینگی ساختار حیات شهری در ایران فراهم شد و میراث باستانی و اسلامی و دستاوردهای فرهنگی و تمدنی ایرانیان در قرون آغازین اسلام درهم آمیخت و ساختار اقتصادی-اجتماعی قابل‌اعتنایی به خود گرفت. مؤلف کتاب با در نظر داشتن این مهم، یعنی سیر تحول شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران، به سراغ مناسبات شهری این دوره رفته است و با تمرکز بر اقتصاد شهری و کارکردهای معیشتی شهر در دوران میانه، مناسبات اقتصادی شهر عهد سلجوقی را با دیگر نظام‌های تولیدی این عهد بررسی و تحلیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهرنشینی، سلجوقیان، اقتصاد شهری، مناسبات شهری.

۱. مقدمه

چرا شهر و چرا شهر عهد سلجوقی؟ هم‌چنان که مؤلف کتاب مورد نظر بحث خود را از آن آغاز کرده است: «تمدن‌ها از سه عنصر اصلی انسان، شهر و جهان‌بینی فراهم آمده‌اند. پدیده

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی Razavi_edu@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۲

شهر در هر جامعه تبلوری از سنن زیست، شیوه‌های معیشت، چگونگی تولید، رفتار و فعالیت‌های استثنایی به شمار می‌رود». از این رو می‌توان در تاریخ هر جامعه‌ای شهر را مصداق جدی فرهنگ و تمدن آن جامعه و از جمله بنیان‌های اصلی تشکیل‌دهندهٔ ساختار حیات جمعی آن قلمداد کرد. شهر دورهٔ سلجوقی و تبیین مناسبات شهری این عهد با تمرکز بر ساختار اقتصادی - اجتماعی آن و سهم اثرگذار اقتصاد سیاسی در اقتصاد شهری نیز تابع همین قاعده است. منتها از این جهت که شهر و شهرنشینی این عصر ماحصل دوران گذار شهرنشینی ایرانی به شهرنشینی ایرانی - اسلامی را در خود دارد و مناسبات سه گروه عمدهٔ اجتماعی - اقتصادی، یعنی شهرنشینان با خرده‌نظام تولید کالایی، روستانینان با خرده‌نظام تولید کشاورزی و احياناً تولید کالایی، و کوچ‌نشینان با خرده‌نظام تولید دامی، از به‌سامانی بیش‌تری برخوردار می‌شود، پرداختن به میراث تاریخی شهر و شهرنشینی این عهد اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. همین وجه اهمیت است که به کتاب جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دورهٔ سلجوقیان جایگاه ممتازی بخشیده و بهانهٔ لازم را برای قلمی کردن نوشتار حاضر در حکم تأکید دوباره‌ای بر ضرورت انجام پژوهش‌هایی از این دست فراهم آورده است. نکتهٔ قابل ذکر در خصوص نوشتار حاضر این است که مطالب آن با هدف نشان دادن اهمیت کتاب مذکور و تقدیر از زحمات مؤلف محترم مطرح شده و نظریات سلبی به انگیزهٔ پردازش بهتر مطالب در چاپ‌های بعدی کتاب طرح شده است.

۲. معرفی کتاب

جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دورهٔ سلجوقیان عنوان کتابی از شهرام یوسفی‌فر است که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای نخستین‌بار در سال ۱۳۹۰ آن را منتشر کرده است. مطالب کتاب در ۴۳۰ صفحه با یک مقدمه، دو بخش، و پنج فصل اصلی تنظیم شده و در آخر فهرست منابع و مآخذ و فهرست‌های اعلام آمده است. ره‌یافت روش‌شناسانهٔ مؤلف به موضوع پژوهش در مقدمهٔ ۴۰ صفحه‌ای کتاب آمده است که خود در ذیل مفهوم پیش‌گفتار گنجانده شده است. پیش‌گفتار مذکور مشتمل بر «مقدمه»، «جامعهٔ شهری دورهٔ سلجوقی»، «سرچشمه‌های آگاهی» و تشریح این سرچشمه‌ها و همانا معرفی منابع تحقیق و پژوهش‌های مربوط است.

مقدمهٔ کتاب، که بدون ذکر هیچ توضیحی در ذیل پیش‌گفتار آمده است و مباحث روشی و معرفت‌شناسی مؤلف را در خود دارد، در ۴۰ صفحه؛ مطالب فصول سه‌گانهٔ بخش اول در ۱۵۶ صفحه (فصل اول ۵۶ صفحه، فصل دوم ۴۹ صفحه، و فصل سوم ۴۹ صفحه)

و مطالب فصول دوگانه بخش دوم در ۱۵۷ صفحه (فصل اول ۱۰۸ صفحه و فصل دوم ۴۸ صفحه) توزیع شده است. فهرست منابع و مآخذ در ۴۵ صفحه و فهرست‌های اعلام در ۳۰ صفحه آمده است.

بخش اول کتاب با عنوان «الگوشناسی شهر ایرانی در دوره سلجوقی» مشتمل بر سه فصل با عناوین ۱. پیشینه‌شناسی و تحلیل الگوی شهر ایرانی - اسلامی؛ ۲. شهر سلجوقی: تکامل، شکل‌یابی و هویت‌یابی؛ و ۳. شکل‌شناسی شهر دوره سلجوقی است. فصل اول این بخش در قالب دو مبحث کلی الف) الگوی شهر و شهرنشینی دوره باستانی ایران و ب) گذار الگوی شهر باستانی به الگوی شهر دوره اسلامی؛ سیر تحول شهرنشینی از دوره مادها تا ورود اسلام به ایران و سپس شهر در ایران دوره اسلامی تا پایان عهد سلاجقه را بررسی می‌کند. فصل دوم بخش اول با عنوان «شهر سلجوقی: تکامل، شکل‌یابی و هویت‌یابی» در دو مبحث الف) تأملی در انگاره شهر و ب) شهر در دوره سلجوقی؛ ماهیت ساختاری و کالبدی شهر در دوره سلجوقی با توجه به ویژگی‌های شهر، کالبد و مفهوم شهر، سلسله‌مراتب حیات شهری، کارکردهای شهری و سازمان درونی آن را بررسی می‌کند. فصل سوم بخش اول، «شکل‌شناسی شهر دوره سلجوقی»، پس از بیان کلیاتی درباره شهر و شهرنشینی و شرح ویژگی‌های دوره گذار شهر و شهرنشینی به دوره سلجوقی سه مبحث کلی الف) شکل شهر، ب) شکل‌شناسی شهر، و ج) شکوفایی مناسبات شهری را بررسی می‌کند.

بخش دوم کتاب «مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی» نام دارد که مشتمل بر دو فصل است. فصل اول با عنوان «وضعیت تولید کالایی» در هشت مبحث، که برخی از مباحث زیرمبحث‌هایی نیز در خود دارند، الگوی تولید در شهرها، وضعیت تقسیم اجتماعی و فنی کار، مراحل تولید کالا، روابط متقابل بخش تولید و مبادله، تشکیلات حرفه‌ای پیشه‌وری، رشته‌های تولیدی، مکان‌یابی پیشه‌وران در شهرها، تولید کالایی، و ساختارهای حاکم را بررسی و تحلیل می‌کند. فصل دوم این بخش «وضعیت مبادله و توزیع در شهرها» را در هفت مبحث فضا و کالبد بازار، گروه‌بندی فعالان بازار، مناسبات بازار، اشکال مناسبات پولی و مالی در بازار، تجار، بازار و حکومت، مالکیت در بازار، و نهادهای بازار بررسی می‌کند.

۳. اهمیت موضوع و جایگاه کتاب

شهر از کهن‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای حیات بشری است که سهم به‌سزایی در سیر

تحول تمدن انسانی و مسیر تکاملی آن داشته است. شهرها حاصل مناسبات متقابل انسان و محیط، تبادل تجارب و نهادینگی مهارت‌های انسانی، تخصصی شدن وجوه اقتصادی حیات بشری و تنوع فعالیت‌های اقتصادی انسان و سازمان‌یافتگی اقتصاد، جامعه، و حکومت در ارتباط متقابل با یک‌دیگر بوده‌اند. در پی پیدایش شهرها و تکوین حیات شهری، مفاهیم شهر و انسان متمدن با یک‌دیگر عجین شده‌اند و شهرنشینی نقش تعیین‌کننده‌ای در روند تکاملی مدنیت جمعی انسان‌ها داشته است (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸)؛ به‌ویژه در سرزمین ایران، که تمدنی کهن دارد و شهر و شهرنشینی با تمدن ایرانی و دستاوردهای مدنی مردمی در تقارن است، شهرها با ماهیت تاریخی و ساختاری و البته کارکردهای خاص خویش جایگاه مهمی داشته‌اند و مفاهیم شهر و ایرانشهر به گونه‌ای درهم آمیخته‌اند که اندیشه‌های ایرانشهری در حکم سند مشترک پندار و کردار ایرانیان و تعیین هویت ایرانی با مفهوم شهر و شهرنشینی عجین شده است. شهر ایرانی از دوران باستان جایگاه و کارکرد مهمی در ساختار حیات جمعی ایرانیان داشته و در سراسر دوران اسلامی، به اقتضای شرایط، شأن و ماهیت خاص خود را حفظ کرده است (← اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰-۱۸؛ فلامکی، ۱۳۶۶: ۵-۶؛ تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۱۵-۱۸).

با این وصف، فهم نظام‌مند تاریخ ایران در دوران گوناگون و خاصه دوران اسلامی نیازمند فهم شهر و ساختار حیات شهری در این دوران است. با این همه، مطالعه و پژوهش تاریخی در عرصه شهر و شهرنشینی، با همه اهمیت که دارد، عزمی راسخ و همتی والا می‌طلبد؛ چرا که تاریخ‌نگاری سنتی بر حسب ماهیت و ساختار خاص خود داده‌های پژوهشی اندکی را در حوزه شهر و شهرنشینی در اختیار تاریخ‌شناس علاقه‌مند به حوزه شهر و شهرشناسی قرار می‌دهد (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۴). تاریخ‌شناس ماجراجوی علاقه‌مند به این عرصه باید رنج مطالعه و اشراف بر حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی را بر خود هموار کند تا با زمینه‌های ذهنی آماده و انگاره‌های اندیشه‌ای لازم به سراغ شهر و شهرنشینی در دوره مورد نظر برود. هم‌چنین، در عرصه گزینش و جمع‌آوری داده‌های پژوهشی، در راستای فهم نظام‌مند موضوع در افق گفتمانی عهد مورد نظر و آنچه با مفهوم بازنمایی و احیای شرایط گفتمانی گذشته (مورد نظر) از آن یاد می‌شود، باید خیل عظیمی از منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری را جست‌وجو کند و با دقت و ظرافت و دغدغه خاطر با موضوع پژوهشی خود برخورد کند.

جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دورهٔ سلجوقیان نیز از همین منظر جایگاه و اهمیت خود را نشان می‌دهد. هرگونه قضاوت سلبی یا ایجابی که در مورد کتاب مذکور

داشته باشیم نکته مهم این است که مؤلف آن قدم در وادی پرمشکلی نهاده که فائق آمدن بر آن تلاش دوجندانی می‌طلبیده که فقط از سوی تاریخ‌شناسان علاقه‌مند به تاریخ ایران در دوران میانه درک‌شدنی است. سیالیت علم تاریخ و انعطاف برداشت‌های تاریخی در گرو بینش و نگرش تاریخ‌شناسان و رویکرد تفسیری آنهاست که فهم نظام‌مند تاریخی را در راستای پاسخ‌گویی به شرایط و مسائل مبتلابه کنونی به‌روز می‌کند. از این حیث، تاریخ‌نگری و افق دید تاریخ‌شناس و به‌اصطلاح ره‌یافت سوژه‌محورانه اوست که پژوهش‌های تاریخی را جهت می‌دهد و الگوهای پژوهشی نوظهور می‌آفریند. بی‌تردید سلسله‌تلاش‌های مؤلف کتاب مورد بحث نیز از این نظر موفق و بسیار ستودنی است؛ به‌ویژه این که بیش‌تر پژوهش‌هایی که در حوزه شهر و شهرنشینی صورت گرفته است نه از جانب اصحاب تاریخ و با چهارچوب روش‌مند تاریخی، بلکه اغلب از سوی متخصصان رشته‌های دیگر از جمله معماری و شهرسازی، جغرافیا، و جامعه‌شناسی انجام شده و ورود تاریخ‌شناسان در این عرصه‌ها حرکتی تازه است (برای نمونه ← وبر، ۱۳۷۵؛ خیرآبادی، ۱۳۷۸؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۷؛ کیانی، ۱۳۶۶؛ مجیدزاده، ۱۳۶۸).

تلاش محققانی که در این عرصه خطیر قدم می‌گذارند و از نظر نو بودن موضوع و حوزه پژوهشی، نقد سلبی (احتمالی) همگان را به جان می‌خرند ستودنی‌تر می‌نماید و ارج نهادن بیش‌تری را طلب می‌کند. نکته قابل ذکر دیگر در همین مورد به مشکلات پژوهش‌گر تاریخ علاقه‌مند به دوران میانه تاریخ ایران مربوط می‌شود. با همه دستاوردهای نوشتاری تاریخی و تاریخ‌نگاری جامعه ایرانی و فراتر از آن جوامع مسلمان که می‌توان از آنها بهره تاریخ‌نگارانه برد؛ همین‌طور سایر منابع و آثار برجای‌مانده یاری‌گر در عرصه تاریخ‌نگاری، باز هم محقق علاقه‌مند به تاریخ ایران دوران میانه با فقر اطلاعاتی فراوانی روبرو است.

در مقایسه با دوره‌های متأخرتر تاریخ ایران، یعنی اعصار پس از قدرت‌گیری صفویان تا آخر عهد قاجار که برحسب مقتضیات نوظهور و به‌خصوص به سبب مناسبات با عثمانی و هند و خاصه دنیای غرب اسناد و مدارک بیش‌تری برای شناخت وجوه گوناگون تاریخی جامعه ایرانی بر جای مانده است، اگر بخواهیم به دوره‌های پیشاصفوی بپردازیم، اسناد و مدارک کم‌تری در اختیار ماست و یا اندک منابع موجود داده‌های پژوهشی کم‌بضاعت‌تری را در حوزه شهر و شهرنشینی پیش روی تاریخ‌شناس قرار می‌دهند. بی‌تردید یوسفی‌فر نیز با این مشکل جدی مواجه بوده و وقت بی‌شماری را مصروف واکاوی منابع و حصول اندک داده‌های پژوهشی در اثر خویش کرده است. شمول منابع و مآخذ بی‌شماری که در

پانوشته‌های کتاب به عنوان شاهد مثال اندک داده‌های واکاوی‌شدهٔ ایشان آمده است مؤید همین مقوله است. هر قضاوتی که دربارهٔ این دستاورد پژوهشی یوسفی فر داشته باشیم، حداقل سه ویژگی زیر اثر پژوهشی وی را شایستهٔ تقدیر و ستایش می‌کند:

الف) انتخاب موضوع پژوهشی جدیدی که موجبات الگوبرداری سایر علاقه‌مندان به تاریخ ایران در دورهٔ میانه را در خود دارد. هرچند انجام چنین پژوهش‌هایی از سوی متخصصان غیرتاریخی سابقه دارد، در عرصهٔ پژوهشی تاریخ نوظهور و جدید است.

ب) کاربست رویکرد بین‌رشته‌ای در مطالعهٔ تاریخ در حکم ضرورتی است که پژوهش‌های تاریخی را کاربردی‌تر و کارآمدی دانش تاریخ‌شناسان را اثبات می‌کند. این مهم هم در فهم نظام‌مند، بلکه نظام‌مندتر تاریخ مفید واقع می‌شود و هم در ارتقای جایگاه علمی و شئون معرفتی تاریخ مؤثر است.

ج) بهره‌گیری از منابع بی‌شمار تاریخی و تاریخ‌نگاری چه در حوزهٔ استفاده از منابع دست اول و دست دوم و چه منابع پژوهشی. این ویژگی یکی از برجستگی‌های درخور تأمل اثر حاضر است که با علاقه و حوصلهٔ فراوان به انجام رسیده است.

۴. نقد شکلی کتاب

مطالب و مباحث مورد نظر مؤلف در کتاب با حجم تقریبی ۴۴۰ صفحه به نسبت خوب توزیع و تنظیم شده است. صرف نظر از فصل دوم بخش دوم، که در مقایسه با فصل اول همین بخش کمیت و حجم کم‌تری دارد، سایر مباحث کتاب به لحاظ انسجام و انتظام کمی وضعیت مناسبی دارند. کتاب متشکل از دو بخش کلی با تقسیم‌بندی‌های منسجم است، اما به نظر می‌رسد مطالب ۵۰ صفحه‌ای قبل از بخش اول جایگاه چندان مشخصی در این توزیع و ترکیب ندارد. مؤلف محترم بدون ذکر هیچ توضیحی، این مطالب (مقدمه، جامعهٔ شهری دورهٔ سلجوقی، و سرچشمه‌های آگاهی: منابع، پژوهش‌ها) را در ذیل پیش‌گفتار آورده است. این در حالی است که در بالای صفحات این مبحث از کتاب، به جای پیش‌گفتار عنوان مقدمه آمده است. اگر این مطالب ذیل پیش‌گفتار است، باید به جای مفهوم مقدمه، مفهوم پیش‌گفتار، که مؤلف آن را عام گرفته است، قرار می‌گرفت. هم‌چنین این سؤال به ذهن می‌رسد که مؤلف محترم بر چه مبنای روش‌شناختی‌ای مفهوم پیش‌گفتار را بدون این که هیچ توضیحی دربارهٔ آن بدهد در مقایسه با مقدمهٔ عام گرفته و فقط به ذکر لفظ، آن هم در یک صفحهٔ مستقل، بسنده کرده است. هنگامی که مخاطب در فهرست مطالب کتاب با مفهوم پیش‌گفتار و بلافاصله پس از آن مقدمه مواجه می‌شود، این تصور در ذهن وی پدید می‌آید

که مؤلف آن‌ها را جدای از هم پنداشته و مطالب جداگانه‌ای درباره آن‌ها آورده است، اما در متن کتاب این چنین نیست. اگر پیش‌گفتار را مفهومی در نظر بگیریم که در ذیل آن مطالبی بیان می‌شود که ذهن مخاطب را درباره موضوع آماده می‌کند و آن را جهت می‌دهد و مقدمه را مفهومی در نظر داشته باشیم که مؤلف کتاب یا رساله ضمن بیان علل پرداختن به موضوع و اشاره به وجوه اهمیت آن به سختی‌های پژوهش اشاره می‌کند و دیدگاه‌ها و نظریاتی را که جای دیگری برای طرح آن‌ها وجود نداشته است مطرح می‌کند، این سؤال مطرح می‌شود که میان پیش‌گفتار و مقدمه در نگاه مؤلف چه نسبتی وجود داشته است؟ اگر آن‌ها را متمایز می‌دانسته، چرا فقط به لفظ پیش‌گفتار اکتفا کرده است؟ اگر پیش‌گفتار را عام بر مطالب ۵۰ صفحه‌ای قبل از بخش اول در نظر گرفته، چرا در بالای صفحات (صفحات سمت چپ کتاب) کلمه مقدمه به کار برده است؟ در همین جهت مباحث چهارگانه‌ای را (جامعه شهری دوره سلجوقی، سرچشمه‌های آگاهی: منابع، پژوهش‌ها) که از صفحه ۱۲ کتاب آغاز شده و تا صفحه ۴۹ بسط یافته است چرا ذیل مقدمه آورده است؟ هنگامی که به متن اصلی کتاب رجوع می‌کنیم، با دقت و وسواس مؤلف در تنظیم و توزیع مطالب و ربط مفهومی عناوین و زیرعنوان‌ها مواجه می‌شویم، اما مطالب ۵۰ صفحه‌ای ابتدای کتاب این ویژگی را ندارد. برای مثال اگر مؤلف محترم برای این صفحات آغازین یکی از عناوین «کلیات تحقیق»، «مقدمه و کلیات طرح تحقیق» و یا روش‌شناسی تحقیق را به کار می‌گرفت و حتی یک فصل نیز بدان می‌داد و در مقدمه نیز به توضیح این‌گزینه‌ها می‌پرداخت، شکل و انسجام کمی و بلکه کیفی این مطالب آغازین بهتر می‌شد. بی‌تردید مؤلفی که زحمت طاقت‌فرسایی را در جمع‌آوری داده‌ها و پردازش و تحلیل آن‌ها در چنین کتاب تخصصی‌ای به جان خریده است برای این مورد توضیحاتی دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت به‌کارگیری روش و مهم‌تر از آن تبیین چهارچوب روشی در انجام پژوهش‌های تخصصی، اگر یکی از عناوین فوق برای مطالب نخستین کتاب به کار برده می‌شد، متن منسجم‌تر و جهت‌دارتری پیش روی مخاطب متخصص قرار می‌گرفت. در آن صورت این فرصت نیز فراهم می‌شد تا مؤلف محترم در پی مقدمه، تبیین مسئله، ضرورت تحقیق و همچنین پیشینه تحقیق را بیان کند و سپس به نقد و بررسی منابعی بپردازد که خود با عنوان سرچشمه‌های آگاهی از آن‌ها یاد کرده است. مغفول نگذاریم که مؤلف در مبحث «مقدمه» و «جامعه شهری دوره سلجوقی» به طرح مسئله پرداخته است، اما روی اصلی سخن این است که اگر طرح مسئله جدای از مقدمه می‌آمد و ادبیات و ضرورت تحقیق نیز در ادامه مطرح می‌شد، حاصل کار نظم روشی بیش‌تری به خود می‌گرفت.

توضیح مؤلف در خصوص عنوان کتاب و مفاهیم به کار رفته در آن نیز مطلبی است که جای خالی آن احساس می‌شود. نظر به نو بودن عرصه‌های پژوهشی از این سنخ در میان اصحاب تاریخ، تبیین مفاهیم تحقیق و به‌ویژه آنچه در عنوان کتاب به کار رفته است ضروری‌تر می‌نماید. به‌خصوص این‌که، برخلاف بسیاری از رشته‌های دیگر علوم انسانی، در میان اهل تاریخ دربارهٔ بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم اجماعی وجود ندارد. تشریح مفاهیمی چون «شهر»، «شهرنشینی» و خاصه «مناسبات شهر» و یا «مناسبات شهرنشینان» به مخاطب کمک می‌کند تا آگاه شود مؤلف چه سنخ مناسباتی را دربارهٔ شهر و شهرنشینی بررسی و تحلیل می‌کند. اهتمام به ماهیت بین‌رشته‌ای پژوهش‌هایی از این دست نیز ضرورت مفهوم‌پردازی عناوین پژوهش را محرزتر می‌کند.

گسترهٔ منابع و مآخذ مورد استفادهٔ مؤلف و غور و دقت فراوان در ذکر شواهد متعدد و مؤثر از منابع و تحقیقات، که اغلب هم در پانویس‌ها نمود یافته است، یکی از ویژگی‌های ممتاز و آموزندهٔ کتاب است که به قدری گسترده است که در برخی مواقع بر متن می‌چربد. بنیان علم تاریخ بر اسناد و مدارک است و درک تبیینی تاریخ مستلزم رجوع و اشراف بر منابع است (رضوی، ۱۳۸۶: ۸۵؛ ۱۳۸۵: ۴۸). طبیعی است که بهره‌گیری از منابع بیش‌تر در حکم هموار شدن زمینه‌های تبیین بهتر و واقعی‌تر موضوع است که مؤلف کتاب به‌خوبی از عهدهٔ آن برآمده است.

اغلاط تاییدی و برخی مشکلات و ایرایشی نیز در متن و پانویس‌های کتاب مشاهده می‌شود که رفع آن‌ها ضروری نشان می‌دهد.^۱ نکتهٔ آخر در بحث نقد شکلی کتاب این است که اگر مؤلف کتاب در پایان هر فصل یا بخش یک جمع‌بندی ارائه می‌داد و یا حداقل در آخر کتاب به نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی مطالب می‌پرداخت به ارزش کتاب می‌افزود.

۵. نقد محتوایی کتاب

نقد و تحلیل محتوایی کتاب را با این سؤال آغاز می‌کنیم که با همهٔ اهمیت شهر و جایگاه آن در روند سیروورت حیات اجتماعی بشر، مؤلف محترم کدام وجه از حیات شهری را در عهد سلجوقیان مطالعه کرده است؟ یوسفی فر ضمن بیان این‌که «جهت‌دهی، تعمیق برداشت و ارزیابی مناسبات قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلط...» بر جامعهٔ ایرانی دوران میانه مستلزم فهم پدیدهٔ شهر است، ضرورت پرداختن به شهر و شهرنشینی دوران سلجوقی را مطرح می‌کند. ایشان شهر دورهٔ سلجوقی را باز نمود سنن شهری ایرانی - اسلامی می‌داند

و رونق شهری این عهد را حاصل زمینه‌های مثبتی که در قرون سوم تا پنجم قمری فراهم آمده و در پرتو گستره قدرت سلاجقه و تکوین نسبی سه خرده‌نظام اقتصادی - اجتماعی تولید ارضی، تولید شهری، و کوچ‌روی رو به رشد نهاده است معرفی می‌کند و سهم دستگاه سیاسی و دیوان‌سالاری را در تنظیم مناسبات میان این سه خرده‌نظام و به‌سامانی حیات شهری مهم می‌شمرد.

در ادامه این مطالب، که در ذیل مقدمه آمده است، به حیات اقتصادی و متغیرهای تأثیرگذار در سیر تحول اقتصاد شهری در عهد سلجوقی در ذیل «جامعه شهری دوره سلجوقی» می‌پردازد و تحلیل مناسبات اقتصادی - اجتماعی مسلط بر شهرهای این عهد را امری ضروری می‌شمارد. در این مبحث، مؤلف با رویکرد اقتصادی و بیان علل رشد تجارت و اقتصاد شهری در عهد سلجوقی، ضرورت آسیب‌شناسی ساختار و کارکردهای حیات شهری را مطرح می‌کند و پرداختن به مواردی هم‌چون «علل تحقق‌ناپذیری وضعیت گذار» یا «دیرپایی ساختارهایی ثابت و متصلب» در جامعه ایرانی و همین‌طور فهم «روابط گروه‌های مولد با لایه‌های حاکم و نهاد حکومت»، «مناسبات اجتماعی حاکم بر سیر تولید» و «زمینه‌های شناخت لایه‌بندی درون شهرها»، «فقدان نهادهای اقتصادی - اجتماعی متناظر بر فعالیت اقتصادی شهری»، «درک علل تاریخی ضعف تولید در جامعه ایرانی»، و «رابطه جامعه شهری با دیگر اشکال تولیدی جامعه» را از منظر اقتصادی ضروری می‌شمارد. در ادامه نیز ماهیت و محتوای مباحث به گونه‌ای است که همین وجه اقتصادی حیات شهری را برجسته می‌کند و مناسبات مورد نظر در حیات شهری را از نظرگاه معیشتی طرح و تحلیل می‌کند. مباحث مطرح‌شده در بخش‌ها و فصول کتاب هم بر همین اساس پردازش شده است و مبنایی اقتصادی دارند.

اگر این برداشت صحیح باشد، سؤال جدی‌ای که به ذهن می‌رسد این است که آیا بهتر نبود مؤلف عنوان کتاب را «جستارهایی در مناسبات اقتصادی شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» می‌گذاشت تا با محتوای کتاب هم‌خوانی بیش‌تری پیدا کند. برجسته کردن مفهوم «اقتصاد شهری» در عنوان کتاب با برداشت مؤلف که در سراسر کتاب این مفهوم را به کار می‌برد نیز هم‌خوانی بیش‌تری پیدا می‌کرد؛ به گونه‌ای که اولین جمله فصل اول بخش اول کتاب بر همین مفهوم تمرکز دارد. مؤلف خود چنین می‌نویسد: «برای ورود به بحث شهر و اقتصاد شهری دوره سلجوقیان، باید دو مقدمه ضروری را مطرح کرد؛ اول، اشاره‌ای کلی به وضعیت شهرنشینی و اقتصاد شهری در دوره باستانی ایران و دیگر...» (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۵۳). در سراسر کتاب نیز چنین مفهومی پرکاربرد است و از تمرکز

مؤلف بر ساختار اقتصادی حیات شهری در تاریخ ایران حکایت می‌کند. با همهٔ اهمیت کارکردهای اقتصادی شهرها در ایران و هرگونه دگرگونی‌ای که در ماهیت و ساختار چنین کارکردهایی رخ داده است، نکتهٔ مهم این است که کارکردهای حیات شهری فراتر از حیات اقتصادی صرف است و لذا در فهم مناسبات شهر و شهرنشینی به طور عام و بدون هیچ تأکید مشخصی نمی‌توان صرفاً بر اقتصاد شهری تکیه کرد و قشربندی اجتماعی و مناسبات اجتماعی را صرفاً بر پایهٔ روابط اجتماعی تولید و یا روابط گروه‌های مولد با لایه‌های حاکم و نهاد حکومت بررسی و تحلیل کرد (همان: ۱۵). البته مؤلف کتاب به صورت پراکنده به برخی موارد که به مناسبات اجتماعی و فرهنگی شهر و شهرنشینی مربوط می‌شود نیز پرداخته است (همان: ۶۶-۶۸) اما از آن جهت که اقتصاد شهری را عام گرفته و جایگاه آن را از حیث چگونگی ارتباط با اقتصاد سیاسی در نظر داشته است، کم‌تر مجال طرح و تعمیق سایر وجوه حیات شهری را پیدا کرده است.

البته گسترهٔ مطالبی که در ذیل سه اصطلاح «شهر»، «شهرنشینی»، و «مناسبات شهر و شهرنشینی» و به‌ویژه سیر تحول این سه مقوله در طی تاریخ گستردهٔ ایران از دوران باستان تا پایان عهد سلجوقیان در دوران اسلامی قابل طرح و پژوهش است و هر یک می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد در پیدایش تصور فوق سهم اساسی دارد. شهر و شهرنشینی، هنگامی که بخواهد در دوران خاصی مطالعه شود، می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی ایستا بررسی شود و وجوه مختلف حیات آن، اعم از وجوه ساختاری یا کارکردی، متناسب با گفتمان موجود و شرایط به‌نسبت ثابت آن عهد مطالعه می‌شود. این در حالی است که اگر شهر و شهرنشینی به منزلهٔ یک مقولهٔ سیال و در حال شدن در طی ادوار گوناگون بررسی شود و سیر تحول و مناسبات مربوط بدان مورد نظر باشد، ضروری است که با رویکرد دینامیک بدان پرداخته و دربارهٔ وجوه مختلف آن مطالعه شود. یوسفی‌فر به اذعان خویش (همان: ۵۳) طریق دوم (مطالعهٔ وضعیت شهر و شهرنشینی در ایران از دورهٔ ماد تا دورهٔ سلجوقی) را اختیار کرده است و این در حالی است که عنوانی که برای کتاب خویش برگزیده است با روش اول مطابقت دارد. در همین جهت می‌توان مطالب صفحات ۵۴ تا ۱۰۶ را، که در فصل اول بخش اول با عنوان «پیشینه‌شناسی و تحلیل الگوی شهر ایرانی - اسلامی» آمده است و برخی مطالب دیگری را که در دیگر فصول آمده است و به طور مشخص به عهد سلجوقیان مربوط نمی‌شود، بر پایهٔ رویکرد نخست کنار گذاشت، به گونه‌ای که به بحث اصلی کتاب نیز آسیبی وارد نشود.

نکتهٔ قابل تأملی که مؤلف نیز بدان اشاره می‌کند و بر اهل تحقیق و به‌خصوص

علاقه‌مندان متخصص به تاریخ ایران دوران میانه پوشیده نیست فقر شدید اطلاعات و داده‌هایی است که بتوان از آن برای فهم مطمئن و مؤثر تاریخ این دوران بهره جست. گفتمان‌های حاکم بر تاریخ‌نگاری دوران سستی و روح غالب حاکم بر جامعه ایرانی، که مانع از تکوین منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری مؤثری می‌شده است، به‌علاوه موقعیت اقلیمی و طبیعی ایران، نوع و شکل معماری و موارد و مصالح به کار رفته در بناها و ساختمان‌ها، تاخت و تازهای همیشگی اقوام کوچ‌رو که با تخریب بلاد و مراکز مدنی همراه بوده است، تغییر مدام پایتخت‌ها و نابودی آثار و بقایای به‌جامانده از حکومت قبلی و مسائلی از این قبیل، همگی در این فقر اطلاعاتی تأثیرگذار است. این فقدان یا کمبود داده‌های پژوهشی، به‌ویژه پس از این‌که منابع مختلف تاریخی بررسی شود، هر محقق را با افسوس بلکه نگرانی مواجه می‌کند و او را مجبور می‌سازد که با همان اندک شواهد دست اول مربوط به عهد مورد مطالعه و یا شواهد دیگر مربوط به عهد قبلی و بعدی بنای علمی موضوع و چیدمان پژوهشی خود را مستقر سازد. به نظر می‌رسد مؤلف جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان نیز با این مشکل مواجه بوده است و لذا در بسیاری موارد به جای این‌که به طور مشخص بر دوران سلجوقیان متمرکز شود، مباحث مطرح‌شده را با محوریت شهر ایرانی دوران میانه جهت‌دهی و تنظیم کرده است. حتی در مواردی که به طور مشخص بحث با عنوان عهد سلجوقی شروع می‌شود این ویژگی برجسته است و دوران میانی تاریخ ایران عهد سلجوقی را در راستای تبیین و تحلیل مباحث پوشش اطلاعاتی می‌دهد. بخش عمده مطالب فصل دوم بخش اول و بخش دوم کتاب با همین ویژگی تنظیم و تنسيق شده است؛ به گونه‌ای که در صفحه ۱۱۲ در ذیل عنوان «شهر در دوره سلجوقی» آمده است: در این بخش ضمن اشاره به برخی جوانب بحث به بررسی ویژگی‌های عناصر اصلی زندگی شهری ایران در سده‌های میانه پرداخته می‌شود تا بر اساس آن بتوان به تعریف شهر در سده‌های میانه ایران دست یافت. مهم‌ترین ویژگی‌های شهر و کالبد شهر در صفحات ۱۱۶ تا ۱۲۰ هم بر اساس محوریت دوره میانه مطرح شده است و دیگر مباحث فصول دوم و سوم بخش اول نیز بر همین اساس طرح و بررسی شده‌اند و فقط به اشتراک وضعیت شهرهای سلجوقی با وضع کلی ترسیم‌شده با عنوان دوره میانه بسنده شده است. صرف نظر از نقیصه فوق، که قبل از این‌که به ره‌یافت روشی — معرفتی مؤلف مربوط شود به ملاحظات تاریخی و تاریخ‌نگاری تاریخ ایران، بلکه جهان اسلام در قرون مورد نظر مربوط می‌شود، مطالب مربوط به بخش دوم کتاب، که «مناسبات اقتصادی — اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی» را بررسی می‌کند، از دو حیث تبیینی و تفسیری جالب و

درخور ستایش است. مؤلف کتاب با غور در منابع مختلف و ترسیم سیما و ساختار شهر و شهرنشینی در دورهٔ میانه بازنمایی تحسین‌برانگیزی از تاریخ ایران این عهد ارائه می‌کند و با ره‌یافت بین‌رشته‌ای و نگرش ساختاری، بازنگری و تفسیرهای خوبی در این خصوص عرضه می‌کند. اگر جنبهٔ تبیینی موضوع را تلاش در راستای عرضهٔ فهمی نظام‌مند، به گونه‌ای که با چهارچوب گفتمانی و برداشت‌های مورخان و دیگر اندیشمندان معاصر و یا نزدیک به عصر مورد نظر هم‌خوانی داشته باشد، در نظر بگیریم و حیث تفسیری را ارائهٔ فهمی نظام‌مندتر دربارهٔ موضوع، به گونه‌ای که با شرایط گفتمانی عصر کنونی و فضای معرفتی رایج در میان تاریخ‌شناسان متخصص هم‌خوانی داشته باشد، قلمداد کنیم، یوسفی‌فر در هر دو عرصه موفق بوده و این موفقیت را در بخش دوم کتاب بیش‌تر نشان داده است؛ به‌ویژه توضیحات قابل تأمل و بعضاً مفصلی که در پانوشته‌های پرشمول کتاب آمده، قابل استفادهٔ فراوان است و در کنار منبع‌شناسی موضوع و به‌اصطلاح «سورسولوژی» درخور ستایش بحث، از وجوه مثبت اثر به شمار می‌آید.

۶. نتیجه‌گیری

جایگاه مهم و قابل‌اعتنای شهر در سیر تمدن بشری و اهمیت شهر در سیر تحول ساختار اجتماعی و اقتصادی در تاریخ ایران موجب می‌شود که هر گونه پژوهش انجام‌شده‌ای در حوزهٔ شهر و شهرنشینی از حیث نظرگاه و افق دیدی که پیش روی تاریخ‌شناسان قرار می‌دهد اهمیت به‌سزایی داشته باشد. کتاب جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دورهٔ سلجوقیان نیز از همین حیث جایگاه خود را پیدا می‌کند؛ به‌ویژه این‌که در عهد حکومت‌گری سلاجقه، زمینه‌های تثبیت و نهادینگی ساختار حیات شهری در ایران به گونه‌ای فراهم می‌شود که میراث باستانی و اسلامی و ماحصل فرهنگی و تمدنی ایرانیان در قرون آغازین اسلامی درهم می‌آمیزد و ساختار اقتصادی-اجتماعی قابل‌اعتنایی به خود می‌گیرد و از این نظر اهمیت کتاب مذکور بیش‌تر نمایان می‌شود. مؤلف محترم کتاب تلاش مضاعفی در جهت تبیین و تفسیر ساختار شهر و شهرنشینی دوران میانه به منظور فهم بهتر مناسبات شهری ایران در دورهٔ سلجوقی به کار گرفته است و سه ویژگی تحدید موضوعی پژوهش و تمرکز بر موضوعی مسئله‌محور و جدید در امر تحقیق، کاربست ره‌یافت بین‌رشته‌ای در جمع‌آوری داده‌ها، تبیین و تفسیر شرایط تاریخی مرتبط با موضوع، و مهم‌تر از همه بهره‌گیری از بی‌شمار منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری، به اثر پژوهشی وی جایگاه شایسته‌ای داده است.

پی‌نوشت

۱. پانویشت ۱ صفحه ۱۹، صفحه ۲۱، پانویشت ۹ صفحه ۳۳، صفحه ۶۲، صفحه ۶۶، صفحه ۶۹، صفحه ۷۰، صفحه ۷۱، صفحه ۷۲، پانویشت ۳ صفحه ۸۰، صفحه ۹۱، صفحه ۹۴، صفحه ۱۰۱، صفحه ۱۳۰، پانویشت ۱ صفحه ۱۴۹، صفحه ۲۰۶، صفحه ۲۱۱، صفحه ۲۱۶، صفحه ۲۲۸، صفحه ۲۴۱، صفحه ۲۴۵، صفحه ۲۶۲، صفحه ۲۹۲، صفحه ۳۰۹، صفحه ۳۲۰، و صفحه ۳۲۸ از مواردی است که نیازمند ویرایش و اصلاح غلط‌های تایپی است.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۳). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره اول، ش ۴.
- تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا (۱۳۶۶). *معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*، تهران: یساولی.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۸). *شهرهای ایران*، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: نشر نیکا.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۵). «نقد منبع در تاریخ»، *نامه تاریخ پژوهان*، ویژه‌نامه فلسفه تاریخ، س ۲، ش ۶.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۶). «داده‌های حاصل از مصاحبه، تاریخ یا تاریخ‌نگاری»، در *مصاحبه در تاریخ شفاهی*، مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی، تهران: سوره مهر.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران: امیرکبیر.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۷). *مقدمه بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- فلامکی، منصور (۱۳۶۶). «شکل‌گیری شهرهای ایران»، در *شهرهای ایران*، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶). *شهرهای ایران*، ج ۲، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸). *آغاز شهرنشینی در ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۵). *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰). *جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

